



مرکز آموزش عالی فنی توحید

عنوان:

# اخلاق حرفه و کار در اسلام

تهیه کننده:

محمود نعمتی

تاریخ تنظیم:

۱۳۸۷/۹

## مقدمه:

سعادت بشر در این جهان و جهان آخرت در گرو عمل به برنامه های اسلامی و تطبیق برنامه های روزمره در تمام زوایای آن - چه فردی و چه اجتماعی - بر قوانین نجات بخش اسلام می باشد؛ برنامه های اسلام به سه دسته تقسیم می شود:

الف: برنامه های اعتقادی (= اصول دین)؛

ب: دستورهای عملی (= فروع دین یا احکام)؛

ج: مسائل روانی (= اخلاق).

دسته اول برنامه هایی است در رابطه با سالم سازی فکر و اعتقاد انسان، و مکلف باید نسبت به آنها یقین کند و آنها را از روی دلیل بپذیرد<sup>۱</sup> و پیروی از دیگران و تقلید در آنها راه ندارد.

دسته دوم که برنامه های عملی است مشتمل بر بایدها و نبایدهایی است که با انجام و ترک آنها اطاعت الهی تحقق می یابد مانند خواندن نماز و پرداخت زکات و پرهیز از غیبت و سرقت.

دسته سوم برنامه هایی در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است که شیوه تقویت صفات پسندیده است مانند عدالت، سخاوت، شجاعت و عزت در نهاد انسانها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت مانند حسد، بخل و نفاق را بیان می کند.

## تعریف خُلُق

خُلُق عادت و ملکه ای است که در نفس حاصل می گردد و رسوخ می نماید و باعث بر افعال و کارهای آدمی می گردد بدون این که به فکر کردن محتاج باشد.<sup>۱</sup> مانند شخصی که خُلُق سخاوت و بخشش عادتش است و بدون فکر و تأمل به فقرائی می بخشد.

(۱) معمولاً فقها در اوائل رساله های توضیح المسائل، این مطلب را فرموده اند.

(۲) رک اخلاق، ص ۶۲.

## تعریف اخلاق

در هر جامعه و هر گروهی بایدها و نبایدهایی وجود دارد؛ یعنی کارهایی که باید افراد به عنوان عضوی از جامعه یا گروه، آن‌ها را انجام دهند و یا کارهایی که نباید انجام دهند که البته ادیان توحیدی و غیر توحیدی نیز دارای این بایدها و نبایدها می‌باشد. با توجه به این تعاریف، افراد باید در انجام هر کاری نسبت به آن، اخلاقیات و یا همان بایدها و نبایدها را مراعات کنند و با کمی دقت متوجه شویم که اخلاقیات در جزء جزء زندگی بشر وجود دارد که در جوامع اسلامی در قالب دین و در جوامع غیر اسلامی در قالب قانون به مردم ارائه می‌شود.

به عنوان مثال:

- بایدها و نبایدها در رانندگی (قوانین راهنمایی و رانندگی)؛

- بایدها و نبایدها در یادگانه‌های نظامی؛

- بایدها و نبایدها در آموزشگاهها (دبستانها، دبیرستانها، دانشگاهها)؛

- بایدها و نبایدها در اصناف (مثلاً صنف پزشکی) و مشاغل و ...؛

با توجه به این که این نوشته در باب «اخلاق کار در اسلام» نگاشته شده است؛ لذا بحث را با عنوان کار در تصور اسلامی ادامه می‌دهیم.

## کار در تصور اسلامی

### قرآن کریم

کتاب آسمانی قرآن کریم از آنجایی که به بهره برداری از نعمت‌های خداوند در کرة زمین نظر دارد، استفاده آدمیان از نعمت‌های موجود و همچنین بهره بردن از دسترنج خویش را مد نظر دارد؛ از این رو می‌فرماید:

برای انسان، زمین مرده نشانه‌ای است که آن زمین را زنده و سبز کردیم و از آن، دانه در آوردیم که از آن دانه‌ها می‌خورند و در زمین، باغهایی از درخت خرما و تاک پدید آوردیم و چشمه‌ها روان ساختیم تا از میوه درختان و آنچه که با دست خود به عمل آورده‌اند بخورند، پس اکنون، آیا شکر نمی‌گزارند.<sup>۱</sup>

(۱) سوره یس، آیات ۳۵-۳۳.

در آیه فوق فرموده است: **وَمَا عَمَلْتُمْ آيِدِيهِمْ**، که با توجه بدان، جایگاه کار در اسلام را می یابیم. خداوند متعال می فرماید: **وَجَعَلَ النَّهَارَ نَشُورًا**، و خداوند روز را وقت برخاستن از خواب قرار داد.<sup>۱</sup> [برای تلاش کردن].

خداوند روز را زمان کار کردن و کسب و معاش قرار داد تا انسان، روزی خود را با دست رنج خود بدست آورد و شکر حق را بگذارد، و چقدر در احادیث معصومین سفارش شده است که از دست رنج خود روزی بخورید و بر دیگران تکیه نکنید و روزی خود را بر دیگران تحمیل نکنید؛ رسول گرامی اسلام فرموده است: از دست رنج خود بخورید.<sup>۲</sup>

به هر حال تأکید بر کار کردن و ترک بیکاری و بیکارگی، مطابق آنچه که در روایات اسلامی آمده است همانند یک اصل به شمار می آید و تعلیمات بسیاری برای تشویق مردم به کار کردن و درست کار کردن و به کار بردن نیروی فراوان در آن، رسیده است و چه بسیار آموزشهایی که بیکاری و ولگردی را نکوهیده و تنبلی و ترک کوشش و تلاش و نرفتن به دنبال کار را مورد تحقیر قرار داده است. در روایات بسیاری تأکید شده است که انسان باید از دست رنج خویش بهره مند گردد نه از دست رنج دیگران، و از کوشش خود روزی بخورد و کُلُّ بر مردم نباشد و اسلام عزیز کسی را که کُلُّ بر مردم باشد لعنت کرده است و این کار را زشت شمرده است چنانچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: **مَلْعُونٌ مَنْ كَلَّ عَلَى النَّاسِ**؛ یعنی هر کسی که بار زحمت خود را بر گردن مردم بیندازد ملعون است. علی آی حال کار از جهات فراوانی برای آدمی سودمند است و ضرورت آن قابل انکار نمی باشد که در خلال این مبحث به جهات سودبخشی کار در روح و جسم آدمی اشاره خواهد شد.

(۱) سوره فرقان، آیه ۴۷.

(۲) الحیة، ج ۳، ص ۳۲۲.

(۳) همان، ص ۳۲۵.

## ضرورت کار برای انسان

امام صادق (ع) به مفضل بن عمر در رساله توحید مفضل می فرماید:

«ای مفضل! به چهارپایان توجه کن که چگونه بدن آنها با مو و کرک و پشم پوشانده شده است تا از گزند سرما و بسیاری از آفات محفوظ باشند و دستها و پاهای آنها دارای سمهای شکافته و ناشکافته است تا از آفات پاره‌پاره‌گی در امان بمانند و چون آنها دست و کف و انگشتانی آماده برای رستن ندارند، پوشش آنها در آفرینش چنان شد که تا زنده اند بر روی تشنه باقی بماند و نیازی به تعویض نداشته باشند؛ اما انسان چاره‌گری می‌داند و می‌تواند به کار برخیزد و نخ برسد و از آن، پارچه برای پوشش بدن خود فراهم آورد و زمانی پس از زمان دیگر، لباس خود را عوض کند.»<sup>۱</sup>

با توجه به فرمایش حضرت صادق - علیه السلام - ضرورت کار برای آدمی روشن می‌گردد که اساس و دلیل اصلی کار و روی آوردن به کار برای انسان همانا نیاز و ضعف او در برابر طبیعت بوده است و البته این فرمایش حضرت، دلیل بر آن است که چون کار در این زندگی برای آدمی از جهات متعدد، امری ضروری است برای همین، خداوند چگونگی آفرینش و ساختمان مکانیکی جهان را به صورتی قرار داده است که انسان ناگزیر، برای جبران و تأمین کمبودها و نیازهای خود باید به کار پردازد و برای نیل آدمی به این مواد خداوند او را مسلح به دو سلاح کرده است که اولی فکر و چاره‌گری و دومی دست که در قرآن بدان اشاره شده است.

## لذت زندگی در سایه کار

حکمت بزرگ دیگری در کار وجود دارد که امام صادق - علیه السلام - بدان اشاره فرموده است:

«اگر مردمان هر چه را می‌خواستند آماده در اختیار داشتند، زندگی برای آنان گوارا نمی‌شد و لذتی از آن نمی‌بردند.»

انسان تبیل و بیکار از این لذت محروم است. او با تبیلی و بیکارگی ارتباط فیزیکی خود را از لحاظ فکری و بدنی با جهان و آنچه در آن است قطع می‌کند و خود را با عالم، بیگانه می‌یابد و حتی خود را و توانایی خود را از دست می‌دهد. استعدادهای خود را به فراموشی می‌سپرد و خود را به حقارت و تیره روزی و سیه بختی می‌کشاند و از خیلی از مواهب زندگانی خود را به دور می‌افکند و باعث آن می‌شود که مردم با چشم پستی و حقارت به او بنگرند؛ بدین جهت بزرگان و پیشوایان دین در مذمت تبیلی و بیکارگی فرمایشهای پر معنایی فرموده‌اند. هر گاه پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - به مردی نگاه می‌کرد و از او خوشش می‌آمد، می‌پرسید کاری دارد؟ اگر می‌گفتند نه، می‌فرمود: از چشم افتاد.

(۱) الحیاء، ج ۵، ص ۴۸۷.

پرسیدند: ای پیامبر خدا چرا چنین است؟

فرمود: برای این که مؤمن اگر حرفه ای نداشته باشد با دینش زندگی می کند.<sup>۱</sup>

## جهات مهم در اهمیت کار

برای پرهیز از تطویل سخن، فقط به جهات مهم کار اشاره می گردد که البته هر کدام از آنها نیاز به توضیح دارد:

- |                           |                  |
|---------------------------|------------------|
| ۱ - جهت طبیعی             | ۱۱ - جهت اقتصادی |
| ۲ - جهت انسانی (بدنی)     | ۱۲ - جهت تشریحی  |
| ۳ - جهت انسانی (روحی)     | ۱۳ - جهت فرهنگی  |
| ۴ - جهت حیاتی             | ۱۴ - جهت سیاسی   |
| ۵ - جهت تربیتی            | ۱۵ - جهت دفاعی   |
| ۶ - جهت تعلیمی            | ۱۶ - جهت هنری    |
| ۷ - جهت اخلاقی            | ۱۷ - جهت بهداشتی |
| ۸ - جهت تکاملی            | ۱۸ - جهت پیشرفتی |
| ۹ - جهت اجتماعی           | ۱۹ - جهت صنعتی   |
| ۱۰ - جهت محیطی و خانوادگی | ۲۰ - جهت رفاهی   |

## در توضیح جهت اخلاقی

(شماره ۷) بیان می شود که نقش کار در تقویت و تهذیب خلق و خوی انسان آشکارا بوده؛ زیرا کار مسئولیت است و هر کس از این مسئولیت آگاه شود و به ادای وظیفه پردازد، از بیکاری و بی مبالاتی دور می شود و از مفاسد فراغت و زیانهای پرداختن به لهو و لعب در امان می ماند. بدین گونه نیروهای اخلاقی او شکفته می شود و نفس او مهذب می گردد. امام صادق - علیه السلام - درباره زیانهای اخلاقی عاطل بودن و بیکاری اشاره فرموده است: «اگر کار نبود ضرورتی نداشت آدمی زادگان با فراغتی که برایشان پیش می آمد بر ناسپاسی و سرمستی گرفتار می شدند و تباهی و زشت کاری همه جا را فرا می گرفت.»<sup>۲</sup>

از هنگامی که آدمی بر کره زمین پدید آمد برای رفع نیازهای خود نیازمند کوشش بود.

زندگی انسان بر محور کار می گردد و کار، تلاش انسان جهت حصول به هدف معین است. کلید گشایش هر استعدادی در درون انسان کار است. کار بزرگ ترین و شاید زیربنایی ترین بخش زندگی انسانی است؛

(۱) الحیاء، ج ۵، ص ۴۹۰.

(۲) همان، ص ۴۴۸.

چرا که از کار می توان به جوهره درونی افراد پی برد و وقتی این جوهره های درونی آشکار شوند و استعداد های بالقوه به منصفه ظهور برسند می توان به وجود جامعه ای پویا امیدوار بود.

## ارزش کار و کارگر در اسلام

مکاتب گوناگون بشری دیدگاه های مختلفی درباره کار داشته اند. در اندیشه یونان باستان از آنجا که کار به بردگان اختصاص داشت فعالیتی تحقیر آمیز و پست شمرده می شد و این دیدگاه در آثار فلاسفه یونان نیز وجود دارد. بتدریج در قرون وسطا و حاکمیت کلیسا بر اروپا، تشویق به انجام کار برای کسب درآمد به وجود آمد. با گذشت زمان در دوران رنسانس و شکل گیری عقاید جدید درباره انسان و دین و دنیا، کار، جایگاه و اصالت خاصی یافت. در جهان بینی اسلامی، کار مفهوم ویژه ای دارد و آثار آن تمام صحنه هستی را می گیرد و دنیا و آخرت را به هم گره می زند.

## سلوک الهی در اسلام

در فرهنگ غنی اسلامی ما، سلوک الهی دارای دو بخش است: بخش مادی و بخش معنوی، بخش مادی کار است و بخش معنوی نماز، و از اینجا می توان به اهمیت کار در جامعه اسلامی پی برد. کارگر از نظر قانون کار، کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق السعی، اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می کند. طبقه کارگر یک طبقه اجتماعی است و از افرادی تشکیل می شود که در مشاغل کار می کنند که نیاز به قدرت بدین و کار دستی دارد. کارگر از دیدگاه اسلام بسیار محترم و ارزشمند است. کارگران شریف ترین انسان های اجتماع هستند، به طوری که رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - و امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - و سایر امامان معصوم - علیه السلام - از کار کردن به عنوان عملی دنیوی و اخروی که دارای اجر و ثواب بسیار است یاد نموده و نسبت به آن توصیه های بسیار کرده اند. در این آموزه ها، به کارگری که برای اداره زندگی خانواده اش سهم تلاش می کند عنوان «جهاد کننده در راه خدا اطلاق شده است». امامان و پیشوایان دین - علیهم السلام - در سخن و در عمل به مسئله کار و اشتغال و تلاش مشغول است، از کسی که کار را رها کرده و به عبادت خدا مشغول است اجر و پاداشی فزون تر دارد. و نیز در خبر آمده است که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - کارهای خانه را انجام می داد و در احادیث ذکر شده است که امام صادق - علیه السلام - فرمود: «هر آن کس که جامه خود را بدوزد و نعلینش را وصله زند و کالای مورد نیاز خانه را خود حمل کند از تکبیر ایمن باشد. در مکتب اسلام دستورهای متعددی وارد شده که از مجموع آنها می توان به دیدگاه ارزشی اسلام درباره کار پی برد:

## ۱ - محبوب بودن و قداست کار

انجام کار، مطلوب خداوند است و همچون عبادت و جهاد در راه خدا مقدس است. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «عبادت هفتاد پاره است و برترین آن، طلب روزی حلال است». مقام معظم رهبری در خصوص قداست شغل می فرماید: «تقدّس کار و تکریم کارگر باید در رأس برنامه ها باشد و در منطق اسلام کار، عمل صالح و عبادت است که این، جایگاه و ارزش کارگر را در نظام اسلامی نشان می دهد».

## ۲ - منفور بودن بیکاری

در مکتب اسلام بیکاری و نیازمند دیگران بودن امری ناپسند شمرده شده است. امام صادق - علیه السلام - می فرماید: «خداوند متعال بیکاری را دشمن انسان می داند».

چقدر ولگردی که از عواقب بیکاری است در لسان معصومین - علیه السلام - مذمت شده است. به عنوان مثال حضرت سجاد فرمود: به مرد ولگردی که در مدینه مردمان را می خندانند و دلقکی می کرد، که بگویند خدا را روزی است که باطل گرایان و ولگردان در آن زیان خواهند دید.<sup>۱</sup>

## برخی از انگیزه های بیکاری

سؤال این است که چه چیزهایی باعث روی آوردن آدمی به بیکاری می گردد که در جواب آن دلایل زیادی را می توان بر شمرد که به سه دلیل آن با نظر در روایات معصومین اشاره خواهد شد.

### نخست: تنبلی

که در این رابطه حضرت صادق - علیه السلام - فرموده است: «تنبلی دشمن کار است»<sup>۲</sup>، و امام علی - علیه السلام - نیز فرموده است: «ای همّام! مؤمن از تنبلی به دور است و فعال و پر نشاط است و کم آرزو و زنده دل است»<sup>۳</sup>.

### دوم: خودپسندی

در لسان روایات معصومین در مذمت عُجْب و اِعْجَاب، سخن فراوان وارد شده است که قصدم در این مبحث، بیان و توضیح عُجْب نیست ولیکن این صفت ناپسند آدمی را از اوج معنوی و همچنین از پیشرفت ظاهری

(۱) الحیة، ج ۵، ص ۴۹۲.

(۲) الحیة، ج ۱، ص ۵۳۶.

(۳) همان.



باز می دارد. امام علی - علیه السلام - فرموده است: «خودپسندی آدمی را از افزون سازی کارهای خوب و کمالات نفسانی باز می دارد»<sup>(۱)</sup>.

عجب و خودپسندی انسان را از تعالی و کمال باز می دارد و لذا شخص مُعْجَب می گوید شخصیت من بالاتر و والاتر از این است که به این شغل‌های پست تن در دهم و لذا بیکاری را ترجیح می دهد یا بر اثر خودپسندی می گوید من با این سن و سال و این سابقه بگویم نمی دانم پس با این طرز تفکر به دنبال کسب علم نمی رود.

### سوم: سستی و بی حالی

امام علی فرموده است: «هر که تسلیم سستی و سهل انگاری گردد، حق خود و دیگران را تباه سازد»<sup>(۲)</sup>، و باز امام علی - علیه السلام - فرموده است: «سستی و ناتوانی، هلاکت زاید»<sup>(۳)</sup>.

انسان از اشرف مخلوقات است و چند سر و گردن از همه موجودات عالم سرفرازتر است باید اهل کار و تلاش باشد تا به تعالی و کمال روحی برسد.

امام علی بن ابی طالب به عنوان جانشین رسول خدا، با آن مقام عظیم علمی و عملی از کار کردن هیچ ابایی ندارد؛ لذا در تاریخ زندگانی او می خوانیم که در حیات پر برکت خویش و در زمان سکوت بیست و پنج ساله خود بیکار نمی نشیند و دست به جمع آوری قرآن کریم می زند. ابونعیم در کتاب حلیه الاولیاء از علی - علیه السلام - نقل کرده است: چون رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از دنیا رفت، سوگند یاد کردم تا قرآن را جمع نکنم رداء نپوشم.

این جزی می گوید: قرآن در زمان رسول خدا بر صحیفه های متفرقی نوشته شده بود و عده ای نیز آن را حفظ کرده بودند؛ چون رسول خدا از دنیا رفت، علی بن ابی طالب در خانه نشست و قرآن را بر ترتیب نزول جمع کرد و اگر این مُصْحَف یافت می شد، در آن علوم بسیاری بود؛ ولی این مُصْحَف در دسترس نیست.

علی بن ابی طالب چاه حفر می کرد و درخت نخل می کاشت. چاههای علی - علیه السلام - در مدینه گواه این مدعا است که آنها را حفر می کرد و وقف می نمود.

روی سخن به انسان های تنبل و بیکارات که اگر از زندگانی پیشوایان دین و اولیاء الهی و علماء ربانی که هر کدام در زمینه خود اهل تلاش و کوشش بودند درس نمی گیرند لاف به زندگی و حیات جانوران بنگرند و ببینند که چگونه کار و تلاش می کنند. نظر شما را به گفته موریس مترلینگ در کتاب حشره نابغه جلب می کنم که در فصل سوم آن، در باب موریانه های کارگر چه مطالب عبرت آمیزی را نقل می کند که همه

(۱) الحیاء، ج ۱، ص ۵۳۹.

(۲) الحیاء، ج ۱، ص ۵۴۱.

(۳) همان، ص ۵۴۱.

حاکمی از نظم و انضباط و تلاش و کوشش می باشد.<sup>۱</sup> پس از دقت در احوالات جانوران همچون موریانه ها و مورچه ها و زنبوران به افراد بنی بشر رجوع کنید و ببینید که مرحوم ملا عباس تربتی چگونه می زیست. مرحوم راشد فرزند ملا عباس تربتی در کتاب فضیلت های فراموش شده مطالب جالب و عبرت آموزی درباره ی پدر خود می نگارد.<sup>۲</sup>

او کسی بود که بیل می زد و اشعار کتاب منظوم الفیه ابن مالک را از حفظ می خواند و در عین حال اهل عبادت و ذکر و یاد خدا هم بود و زندگی زاهدانه و دست گره گشایی داشت.

### ۳- وجوب کسب معیشت :

از واجبات مسلم بر هر فرد مؤمن لزوم انجام کار برای تأمین زندگی خود و خانواده است. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «استفاده از صدقه و زکات برای شخص بی نیاز، نیرومند، سالم، صاحب مهارت و توانایی جایز نیست».

### ۴- وظیفه اجتماعی انسان و خدمت رسانی به جامعه :

مسئولیت اجتماعی شخص مؤمن، رفع نیازهای جامعه در حد توان است و بر آوردن نیازهای جامعه واجب کفایی است و شخص باید در بر آوردن آن بکوشد.

### ۵- رشد عقلانی:

کار، وسیله تجربه انسان است و بر رشد عقلانی و اجتماعی او می افزاید. امام صادق - علیه السلام - می فرماید: «تجارب، عقل را رشد می دهد».

### ۶- کسب آرامش روحی:

انسان با کسب درآمد از نظر روحی آرامش می یابد؛ زیرا فرد نیازمند از نظر روحی در اضطراب و نگرانی است. پیامبر - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «انسان هر گاه نیازهای خود را تأمین کند آرام می گیرد».

(۱) حشره نایفه ، ص ۶۹ .

(۲) فضیلت های فراموش شده ، ص ۱۰۹ .

## ۷- سلامت جسم :

با کار، اعضای انسان توان خود را بروز می دهد. امیرالمؤمنین - علیه السلام - می فرماید: «هر کس کار کند بر توان او افزوده می شود».

## ۸- رفع فقر و تأمین اجتماعی نیازمندان

با کار و تلاش فقر دفع می شود. کسب درآمد باعث می شود فرد بتواند به دیگران کمک کند. فرد باید در بعد اجتماعی مفید و مؤثر باشد. امام باقر - علیه السلام - می فرماید: «هر کس برای بی نیازی از مردم و تلاش برای رفاه خانواده و مهربانی و خیرخواهی به همسایه در طلب مال و امکانات زندگی برآید روز قیامت در حالی که صورتش همچون بدر درخشان است خداوند را ملاقات می کند».

در بررسی رابطه مسائل اخلاقی و اعتقادی با کار، دیدگاه کلی اسلام درباره کار مشخص گردید و معلوم شد که امور اعتقادی و اخلاقی اسلام مانعی در ایجاد جامعه توسعه یافته نیست. کار اقتصادی ذاتاً مطلوبیت دارد و مؤمن حتی اگر درآمد کافی داشته باشد، نباید از کار دست بکشد.

مقام معظم رهبری در خصوص کار و کارگر فرموده است: «من به کارگران سفارش می کنم در هر بخشی و در هر جایی که مشغول هستند کار را عبادت بدانند. این کاری که شما برای توسعه و پیشرفت کشور می کنید یک عبادت قطعی است. به مسئولان هم سفارش می کنم که ارزش طبقات کارگر و محروم و مستضعف و این مردم مؤمن را بدانند. کارگران قدر خود را بشناسند و بفهمند که وجود آنها چقدر در سرنوشت یک ملت مؤثر است».

## تأثیر کار در تهذیب اخلاق

کار و عمل از نظر اسلام بسیار محترم و مورد تکریم است؛ زیرا احترام و قابل تکریم بودن یک چیزی، تابع نتیجه آن چیز است. وقتی که به نتیجه کار و زحمت توجه می کنیم می بینیم که نتیجه کار تنها خلاصی، فقر و گرسنگی نیست؛ بلکه چندین چیز دیگر هم به دنبال دارد. از آن جمله اینکه کار بر عزت و شخصیت انسان می افزاید و او را در نظرش محترم می نماید؛ یعنی حس احترام به ذات و اعتماد به شخصیت در او ایجاد می کند و بلدهی است که هر چیزی که باعث و سبب محترم شدن شخصیت انسان در نظر خودش و در نظر دیگران باشد، خودش محترم و شایسته تکریم و تعظیم است و به همین دلیل است که در اسلام کار مورد احترام و شایسته تکریم است.

در مقابل کار، بیکاری است که کوچکترین اثرش این است که احترام و شخصیت انسان را در نظر دیگران و نزد خودش از بین می برد، و همین در هم شکستن شخصیت انسان سبب می شود که تن به هر پستی و بیچارگی بدهد و انواع ابتلائات ناشی از گناه برایش پیدا شود.

گذشته از همه اینها کار و فعالیت موجب سرگرمی فکری است، یعنی فکر انسان متوجه اصلاح کار خویش است و این به نوبه خود دو نتیجه دارد: یکی اینکه دیگر مجالی برای فعالیت قوه خیال و هوسهای شیطانی باقی نمی ماند؛

دیگر اینکه فکر انسان عادت می کند که همواره منظم کار کند، از بی انتظامی و پریدن از یک شاخه به شاخه دیگر خلاص گردد. بدیهی است که یکی از اصول شخصیت انسان همان استواری و استحکام و انتظام فکر او است، علاوه بر اینها کار و فعالیت و به مصرف رسیدن درست انرژیهای ذخیره بدن به روح صفا، و به دل، نرمی و خشوع می دهد و بر عکس، بیکاری که موجب کدورت و تاریک شدن روح و موجب قساوت و سختی دل است.

از رابطه کار با تهذیب اخلاق و رابطه بیکاری با فساد اخلاق و هرزگی روح و فکر و احساسات نباید غافل بود. آدم بیکار اگر غیبت کند و به تعبیر قرآن کریم اگر گوشت مردار نخورد پس چه بکند؟ روح آدمی نیز مانند معده اش غذا می خواهد، اگر غذای کافی نرسد به هر چه رسید سُدْ جوع می کند ولو با چیزی که مورد تفر باشد.

در سالهای قحطی و گرسنگی عمومی دیده شده، که افراد، گوشت یکدیگر را خورده اند. اگر به روح آدمی نوبت به نوبت - به طوری که این نوبتها قطع نشود - غذای کافی نرسد؛ یعنی چیزی که روح را سیر و راضی و قانع نگه دارد، چیزی که توجه روح را به خود جلب کند و اندیشه ها و احساسات را متمرکز سازد، در این صورت روح گرسنه می ماند و ناچار با گوشت برادر مؤمن در حالی که مرده باشد تغذی می نماید؛ یعنی غیبت می کند.

زنانی که معمولاً در خانه ها می نشینند و هیچ کاری ندارند، بیش از هر طبق و طایفه دیگر به غیبت کرده و مشغول می شوند چون بیش از هر طبقه دیگر از لحاظ روحی گرسنگی و بی غذایی می کشند. به هر حال آدم بیکار به انواع مفاسد اخلاقی و بیماریهای روانی و عصبی مبتلا می شود و زندگانی اش سیاه و تپاه می گردد.

# اخلاق کار

## در دین مسیبن اسلام

## ۱ - کسب رضای خداوند و اخلاص در کار

یکی از اخلاق مهم در کار انجام کار برای خدا و کسب رضایت خداوند است. حضرت آیت الله خامنه ای رمز جاذبه الهی و مغناطیس وجودی امام خمینی - رحمه الله - را، کار برای خدا دانستند و می فرماید: «امام راحل عظیم الشان در همه دقایق زندگی پر برکت خویش، فقط در صدد جلب رضایت پروردگار بودند و این واقعیت درس بزرگ ایشان برای امروز و فردای ملت، مسئولان و همه نخبگان و فعالان است.»

### چرا باید برای خدا کار کرد؟

شکی نیست که خداوند به عمل ما نیازی ندارد. قرآن مجید می فرماید «انتم الفقراء الى الله و الله هو الغني بالحميد؛ شما به خداوند نیازمندید و خدا بی نیاز ستودنی است.»<sup>(۱)</sup>  
«امام علی علیه السلام می فرماید: «خداوند مخلوقات را آفرید، در حالی که از اطاعتشان بی نیاز و از پیامد سوء نافرمانی آن ها در امان بوده.» (۲)

آن چه برای رضای خدا انجام می دهیم، سود و نفع آن برای خودمان است. پس ما به خدا نیاز داریم، چون تکامل ما در قرب و نزدیکی به او است. البته قرب و بُعد مکان و زمانی در مورد خدا بی معنی است. خداوند هیچ نسیتی با زمان و مکان ندارد، بلکه منظور قرب معنوی است. راه رسیدن به قرب پروردگار، بندگی و عبادت است قرآن مجید فلسفه آفرینش را عبودیت می داند: «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون؛ جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا عبادت کنند.» (۳)  
از آیه استفاده می شود تنها راه رسیدن به هدف که خداوند از خلقت ما منظور داشته، عبادت و پرستش است. عبادت یعنی انسان همه کارها و رفتارهای خود را به انگیزه اطاعت خداوند برای رضای او و قربت<sup>۱</sup> الى الله انجام دهد.

### علائم کار برای خدا در کلام امام خمینی (قدس سره)

- ۱ - مطرح نکردن خود؛
- ۲ - عدم توقع از دیگران؛
- ۳ - عدم انتظار اجر دنیوی؛
- ۴ - عدم احساس باخت و دلسردی؛

۱ - سوره طه، آیه ۱۵.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۴۰۳.

۳ - سوره ذاریه، آیه ۵۶.

۵- عدم احساس یأس و شکست؛

یکی از اصلی ترین مسائلی که شیخ رجبعلی خیاط<sup>۲</sup> در تعلیم و تربیت شاگردان، همیشه بر آن تأکید داشت، مسئله اخلاص بود. اخلاص نه تنها در عقیده و عبادت، بلکه اخلاص در همه کارها.

## همه کارها برای خداوند

یکی از سخنان ارزنده و بسیار آموزنده جناب شیخ این است که می فرمود:

همه چیز خوب است؛ اما برای خدا.

گاه به چرخ خیاطی خود اشاره می کرد و می فرمود:

«این چرخ خیاطی را ببینید، همه قطعات ریز و درشتش مارک مخصوص کارخانه را دارد یعنی می خواهند بگویند کوچکترین پیچ این چرخ خم باید نشان کارخانه ما را داشته باشد. انسان مؤمن هم همه کارهای او باید نشان از خدا را داشته باشد.»

در مکتب تربیتی شیخ، سالک قبل از انجام هر کاری باید تأمل کند، اگر آن کار نامشروع است، برای خدا آنرا ترک کند و اگر مشروع است و انجام آن خوشایند تمایلات نفسانی نیست، آن را برای خدا انجام دهد، و اگر مشروع است و خوشایند نفس، ابتدا از میل نفسانی خود استغفار کند، سپس آن کار را برای خدا انجام دهد.

اخلاص حتی در خوردن و خوابیدن

براساس رهنمود پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - که به ابوذر فرمود:

«ای ابوذر! باید در هر کاری نیتی پاک داشته باشی، حتی در خوردن و خوابیدن.»

شیخ به شاگردان خود مکرر و تأکید می کرد که:

«همه کارها باید برای خدا باشد، حتی خوردن و خوابیدن»، و می افزود: «هر گاه این استکان چای را به دست خدا بخوری، دل تو به نور الهی منور می شود؛ ولی اگر برای حظ نفس خوردی، همان می شود که خواسته بودی.»

آیت الله مهدوی کئی فرمودند: «در آغاز تحصیل و اوایل طلبگی وقتی خواستم لباسی برای خود بخرم - بعد از این که لباس عاریه مرحوم برهان را می خواستم پس بدهم، - پیش شخصی به نام شیخ رجبعلی خیاط

(۱) ر.ک: اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، ص ۹۰-۹۶.

(۲) برای آشنایی با این شخصیت رجوع کنید به کتاب کیمیای محبت، اثر حجة الاسلام محمدی ری شهری.

رفتم، که در آن هنگام چهارده - پانزده سال داشتم، پارچه را برای ایشان بردم. محل کار او در منزلش، و در اتاقی نزدیک در بود. قدری نشستم، ایشان آمد و گفت: «خوب حالا می خواهی چه بشی؟»  
گفتم: طلبه

گفت: می خواهی طلبه بشی یا آدم؟ من از گفته او قدری تعجب کردم.  
گفت: «ناراحت نشو! طلبگی خوب است؛ ولی هدف آدم شدن باشد. به شما نصیحتی می کنم فراموش نکن، هر کاری می کنی برای خدا انجام بده، حتی اگر چلو کباب هم خوردی به این قصد بخور که نیرو بگیری و در راه خدا عبادت کنی و این نصیحت را در تمام عمر فراموش نکن.»  
به کفاش می فرمود:

«وقتی کفش می دوزی، اولاً برای خدا سوزن را فرو کن و بعد آن را خوب و محکم بدوز که به این زودی پاره نشود.»

به خیاط میگفت:

«هر درزی که می دوزی به یاد خدا بدوز و محکم.»

یکی از شاگردان شیخ توصیه های ایشان به اخلاص را چنین توصیف می کند: شیخ می گفت:

«این جا، خانه شیخ که می آید برای خدا بیاید، اگر برای من بیاید ضرر می کنی!»

حال عجیبی داشت، مردم را به خدا دعوت می کرد، نه به خود.

یکی از شاگردان شیخ می گوید: در جلسه خصوصی به من فرمود:

«حواست فلان جاست، خوب است؛ ولی باید برای خدا باشد.»

روزی من با یکی از دوستان خدمت ایشان بودیم، اشاره کرد به قلب دوستم و گفت:

«در این جا دو تا دختر (یا پسر) می بینم، این خویه؛ ولی دل جای خداست و باید علاقه به فرزند برای خدا باشد.»

می فرمود: «مقدس ها همه کارشان خوب است، فقط «من» خود را با «خدا» باید عوض کنند.»

آیت الله فهری، توصیه های شیخ درباره اخلاص را چنین توصیف می کند: تکیه کلام ایشان کار برای خدا بود. آن قدر ضمن فرمایشات خود تکرار می کرد که، کار برای خدا بکنید، کار برای خدا بکنید، که برای شاگردانش کار برای خدا حالت ملکه پیدا می کرد. مانند یک فیل بانی که مرتب با چکش به سر فیل می کوبد، مرتب بر اندیشه شاگردانش میکوبید که، کار برای خدا.

می فرمود: «شب که به خانه می روی و همسرت را میخواهی ببوسی، برای خدا ببوس.»

می گفت: «در تمام زوایای زندگی انسان باید خدا باشد.»

مقامات و مکاشفات کسانی که در مکتب شیخ پرورش می یافتند در اثر عمل به این دستورالعمل بود.



یکی از شاگردان شیخ که نزدیک به سی سال با ایشان بوده نقل می کرد که شیخ به من می فرمود:  
روح شخصی از علمای اهل معنا - که ساکن یکی از شهرهای بزرگ ایران بود - را در برزخ دیدم که  
تأسف می خورد و مرتب بر زانوی خود می زد و می گفت: وای بر من، آمدم، و عملی خالص برای خدا  
ندارم!

از او پرسیدم که چرا چنین می کند؟ پاسخ داد: در ایام حیات، روزی با یکی از اهل معنا که کاسب بود  
برخورد کردم، او مرا به برخی از خصوصیات باطنی خود متذکر ساخت، پس از جدا شدن از او تصمیم به  
ریاضت گرفتم، تا مانند آن شخص دیده برزخی پیدا کنم و به مکاشفات و مشاهدات غیبی دست یابم. مدت  
سی سال ریاضت کشیدم تا موفق شدم. در این هنگام مرگم فرا رسید، اکنون به من می گویند: تا آن هنگام  
که آن شخص اهل معنا تو را متذکر ساخت گرفتار هوای نفس بودی، و پس از آن تقریباً سی سال از عمر  
خود را صرف رسیدن به مکاشفات و رؤیت حالات برزخی کردی، اینک بگو عملی که خالص برای ما  
انجام داده ای کدام است؟

یکی از علمای معاصر که خود، استاد اخلاق و عرفان است، فرمودند که از جناب شیخ رجبعلی درباره خودم  
سؤال کردم که چگونه ام؟  
پاسخ داد:

«آقای حاج شیخ! دلت می خواهد خوب شوی؛ ولی برای خودت! سعی کن برای خدا بخواهی خوب  
شوی!!»

### آثار خالص

تکیه کلام شیخ این جمله بود: «من کان لله کان الله له، کسی که صد در صد برای خدا کار کند، خدا هم  
برای او خواهد بود و می فرمود: «تو برای خدا باش، خداوند و ملائکه اش برای تو است.»  
گاهی می فرمود: «تو برای خدا باش، خداوند و ملائکه اش برای توست.»  
گاهی می فرمود: «اگر انسان موفق به عملش هم نشود، صحبت آن اثر خوبی در روحیه شخص می گذارد.»

### هدایت ویژه الهی از برکات اخلاص

شیخ یکی از برکات مهم اخلاص را برخوردار از هدایت ویژه الهی می دانست و بر این اعتقاد به این آیه  
کریمه استناد می کرد:

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا، و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین آنها را به راه های خود هدایت می کنیم<sup>۱</sup> و در تبیین مطلب می فرمود:

«اگر تو برای خدا قیام کنی، تمام عوالم خلقت دلیل راه تو هستند. چون کمالشان در فنای در تو می باشد، آن ها می خواهند آن چه را در فطرت دارند تحویل دهند تا به کمال واقعی برسند. اگر انسان برای خدا قیام کند، همه عوالم وجود سر راه او صف می کشند، تا آن چه را در خود دارند به او عرضه کنند و راهنمای او باشند.»

شیخ برای برخورداری از هدایت ویژه الهی که در واقع تربیت خاص او است، بالاترین مراتب اخلاص را ضروری می دانست، بدین معنا که انسان باید از تلاشهای خود هیچ هدفی جز رضای خداوند متعال نداشته باشد، حتی کمال خود را هم در نظر نگیرد و در این باره می فرمود:

«تا انسان کمال خود را در نظر دارد به حقیقت نمی رسد، آن چه در توان انسان است باید در راه رسیدن به خدا به کار گرفته شود، که در این صورت خداوند متعال انسان را برای خود تربیت می کند.»

### بوی خدا در عمل!

جناب شیخ تأکید می کرد که:

«وقتی خدا را شناختی، هر چه می کنی باید خالصانه و عاشقانه باشد؛ حتی کمال خود را هم در نظر نگیر. نفس بسیار زیرک و پیچیده است، و دست بردار نیست و به هر نحو شده می خواهد خود را وارد کند. انسان تا وقتی که خود را می خواهد و توجه به خود دارد، کارهای او نقصانی است و اعمالش بوی خدا نمی دهد؛ ولی اگر خودخواهی را کنار گذاشت و خداخواه شد، کارهای او الهی می شود و اعمالش بوی خدا می دهد، و آن یک نشانی دارد که در کلام سجّاد، - علیه السلام - آمده است که می فرماید: «وَمَا أَطْيَبَ طَعْمَ حَبْكِكَ» یعنی چقدر محبت تو خوش طعم است.

### غلبه بر شیطان!

یکی از برکات کار برای خدا غلبه بر شیطان است. شیخ در این باره، می فرمود:

«کسی که برای خدا قیام کند نفس با هفتاد و پنج لشکر و شیطان با جنود<sup>۲</sup> خود، برای از بین بردنش قیام می کنند ولی «جُنْدُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۳</sup>. عقل هم دارای هفتاد و پنج لشکر است و نخواهد گذاشت بنده مخلص،

(۱) عنکبوت، آیه ۶۹.

(۲) سپاهیان.

(۳) سپاه خداوند غالب است.

مغلوب شود. اِنَّ عِبَادِي لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ<sup>۱</sup>، اگر علاقه به خیر خدا نداشته باشی، نفس و شیطان زورشان به تو نمی رسد؛ بلکه مغلوب تو می گردند.  
و می فرمود: «در هر نفس کشیدن امتحانی است، بین با انگیزه رحمانی آغاز میشود یا با انگیزه شیطانی آمیخته می گردد».

### باز شدن چشم دل

جناب شیخ معتقد بود تا انسان به غیر خدا توجه دارد و غیر او را می خواهد در واقع مشرک و دل او آلوده به زنگار شرک است و در این رابطه به آیه کریمه انما المشركون نجس<sup>۲</sup>، استشهاد می کرد.  
تا وقتی که غبار شرک بر آینه دل باشد، انسان نمی تواند با حقایق هستی آشنا شود. از این رو شیخ می فرمود: تا انسان توجهش به غیر خدا است، نسبت به حقایق هستی نامحرم است و از باطن خلقت آگاه نیست؛ اما اگر انسان خالص شود، غبار شرک از آینه دل او زدوده شده و محرم راز آفرینش می گردد. جناب شیخ در این باره می فرمود:

«اگر کسی برای خدا کار کند، چشم دلش باز می شود، اگر مواظب دلتان باشید و غیر خدا از دنیای او نخواهد کاست؛ بلکه اطاعت خدا علاوه بر دنیا، حیات طیبه جاوید را هم نصیب او خواهد کرد و آن تصریح این آیه است: مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ<sup>۳</sup> یعنی هر کس ثواب دنیوی می خواهد (بداند که) ثواب دنیوی و اخروی نزد خداوند است.

به بیان دیگر خداوند متعال همه چیز است. کسی که خدا دارد همه چیز دارد. یکی از ارادتمندان جناب شیخ می گوید: شیخ از من پرسید: شغل شما چیست؟  
گفتم: نجار هستم.

فرمود: این چکش را که به میخ می زنی به یاد خدا می زنی یا به یاد پول؟ اگر به یاد پول بزنی همان پول را می دهند و اگر به یاد خدا بزنی، هم پول به تو می دهند و هم به خدا می رسی.

(۱) همانا بر بندگان من چیره نخواهی شد. سوره حجر، آیه ۴۲.

(۲) سوره توبه، آیه ۲۸.

(۳) سوره نساء، آیه ۱۳۴.

## برای خدا درس می دادم

یکی از شاگردان شیخ از ایشان نقل می کند که:

در تشیع جنازه آیه الله بروجردی جمعیت بسیار آمد و تشیع باشکوهی شد. در عالم معنا از ایشان پرسیدم که چطور از شما این اندازه تجلیل کردند؟

فرمود: تمام طلاب را برای خدا درس می دادم، خدا کار ما را درست کرد.

یکی از ارادتمندان شیخ از ایشان نقل می کند که فرمود:

هاسم فرزندم برای سربازی در آمده بود، می خواستم دنبال کار او بروم که زن و مردی برای حل اختلاف زند من آمدند لذا ماندم تا قضیه آن دو را فیصله بدهم. بعد از ظهر فرزندم آمد و گفت: نزدیک پادگان به چنان سردردی مبتلا شدم که سرم متورم شد. پزشک معاینه کرد و مرا از خدمت معاف داشت. همین که از پادگان بیرون آمدم گویی اثری از ورم و سر درد نبود.

شیخ در پایان اضافه کرد که: ما رفتیم کار مردم را درست کنیم، خدا هم کار ما را درست کرد.<sup>۱</sup>

## ۲- نظم کاری نسبت به هر شغل و کاری

در باب اهمیت نظم و انضباط کاری امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - در بستر شهادت فرزندان خود را امر به نظم در امورشان می فرماید.

چه خوب است در نظم و انضباط حضرت امام خمینی - رحمه الله علیه - نظر کنیم.

مرحوم سید عبدالمجید ایروانی می گوید: زمانی که ما در قم پای درس امام حاضر می شدیم کمتر اتفاق می افتاد که من زودتر از امام به کلاس درس برسم و من و دیگر طلاب وقتی به مسجد می رفتیم برای شرکت در درس می دیدیم که امام حاضر بر روی منبر نشسته اند. حضرت امام از این که بعضی از شاگردان بعد از آغاز درس می آمدند خیلی بدشان می آمد.<sup>۲</sup>

سید علی غیوری می گوید: در تمام حوزه علمیه قم، درسی منظم تر از درس ایشان نبود. ایشان در سده چهار سال و نیم، یک دوره ای درسی اصول فقه تدریس کردند و به غیر از عیدها و مراسم سوگواری و یا جمعه ها، دو روز از درس را تعطیل کردند.<sup>۳</sup>

(۱) کیمیای محبت، ص ۱۷۵ تا ص ۱۸۶.

(۲) جلوه های معلمی حضرت امام خمینی، ص ۵۰.

(۳) همان، ص ۵۱.

محمد حسن قدیری می گوید: از جمله خاطره هایی که از حضرت امام دارم سفارش ایشان به منظم بودن تقسیم وقت و هر کاری را در وقت خود انجام دادن است و می فرمودند: وقتی اوقات و کارهای شما برکت پیدا می کند که آنها را تنظیم کنید.<sup>۱</sup>

## عاملین تضييع ثروت مردم

مقصود از عنوان فوق این است که ممکن است فردی به گونه مستقیم، ضایع کننده ثروت دیگران نباشد؛ ولی از راه ارائه ناقص خدمات و یا تولیدات خود، موجبات فرسایش اموال آنان را فراهم سازد و مسبب اسراف دیگران شود که در حقیقت مسرف واقعی همو به حساب می آید. و نظر به اهمیتی که این قسمت از بحث دارد و ارتباطی که با مسأله اتقان (۱) و استحکام در امور به طور عموم و در کارهای تولیدی خصوصاً پیدا می کند و نیز اصل رابطه اتقان با اسراف، که در غیر این صورت هم به کار می آید، لازم است نگاهی به موضوع اتقان به عنوان مقدمه ای برای این شاخه از بحث داشته باشیم.

## ۳- اصل اتقان در کار

از موضوعاتی که توجه بدان در همه امور لازم است و رعایت آن منافع بی شماری را برای انسان و جامعه به ارمغان می آورد، اصل (اتقان) و محکم کاری است. تعبیر از اتقان به اصل، بدین جهت است که این موضوع از اموری است که باید در همه شؤون فردی و اجتماعی مورد توجه انسان و حاکم بر تمام ابعاد زندگی مادی و معنوی او باشد، و جامعه زیبایی است که باید اندام امت اسلام را در خود پوشاند. پندار بعضی بر آن است که اتقان، در امور مربوط به طبیعت و زندگی مادی موافق با اسلام نبوده و نوعی دنیاطلبی و علاقه بدان محسوب می شود؛ در صورتی که این موضوع، امری غیر از علاقه به دنیاست. دنیا طلبی، عشق به دنیاست؛ در صورتی که ابرام و محکم کاری برای بهره برداری صحیح و مشروع از آن است. انسان با دنیاطلبی بر اضطراب و نگرانی های خویش می افزاید و از خدا دورتر می شود؛ در صورتی که در رعایت اتقان آرامش خاطر فراهم می شود تا انسان در سایه آن با خیالی آسوده بتواند به استكمال معنوی خویش بپردازد. پس اتقان دنیاطلبی نیست؛ بلکه آخرت خواهی است و دوری از مقصد نیست؛ بلکه نهایت اتقان و استحکام آفریده است و در قرآن مجید فرموده است:

... صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّقَنَ كُلَّ إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ.<sup>۲</sup>

(۱) جلوه های معنوی حضرت امام خمینی، ص ۵۲.

(۲) سوره نمل، آیه ۸۸.

این آفرینش خداست که همه چیز را با اتقان و استحکام آفریده و به آنچه می کنید، آگاه است.

حضرت امام حسن مجتبی به جناده بن ابی امیه فرمود:

برای دنیای خود آن چنان کار کن که گویا همیشه خواهی بود و برای آخرت خود چنان عمل کن که گویا فردا خواهی مرد.

البته برای این حدیث دو احتمال وجود دارد: یکی این که در کارهای دنیا عجله و شتاب مکن؛ ولی برای انجام کارهای مربوط به آخرت تعجیل نما؛ احتمال دیگر این که مقصود حضرت اشاره به همین اتقان و ابرام در کارها باشد. به نظر می رسد بین این دو معنا دوگانگی و اختلافی نیست؛ زیرا منافاتی بین استحکام در کار و صبر و تأنی در آن وجود ندارد. همچنین رسول اکرم در جریان وفات فرزندش (ابراهیم) و پس از آن که آن حضرت پوشش قبر او را به درستی و با دقت محکم کرد فرمود:

اِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَقْتِنْ؛ (ک)

هر گاه یکی از شما کاری انجام داد، لازم است آن را با محکم کاری و اتقان به پایان برد. و نیز همان حضرت در قضیه مرگ (سعد بن معاذ) و بعد از فراغ از محکم کاری قبر او فرمود:

أَنْتِي لِأَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَلِي<sup>۱</sup> وَ يَصِلُ إِلَيْهِ الْبَلِي، وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ؛

من می دانم که این جسد به زودی از هم خواهد گسیخت و از هم پاشیده می شود؛ ولی خداوند دوست دارد بنده را که وقتی عملی انجام می دهد، محکم کاری می کند.

این دو فرموده حضرت، گرچه در مورد خاصی صادر شده و آن (پوشش قبر) است؛ ولی اصل کلام آن حضرت همه موارد را شامل است و بین دانشمندان علم اصول مسلم است که اگر سخنی فراگیر باشد مورد خاص آن، ضروری به فراگیری و عموم آن وارد نمی کند.

بنابراین سخن پیامبر شامل تمامی امور مادی و معنوی انسان است و اتقان در مورد همه کارهایی که در بهبود وضعیت فرد و جامعه مؤثر است و آنان را به سوی غنای مادی و کمال معنوی سوق می دهد، مطلوب است. اتفاقاً مرحوم شیخ حرّ عاملی (ره) هم در عنوانی که برای این باب گشوده است، موضوع را به طور عموم مطرح کرده و حکم با استحباب اتقان در سایر اعمال نیز فرموده است.

## اتقان و اسراف

در این جا این سؤال مطرح است که در بسیاری موارد بین اتقان و اسراف، تراحم و برخورد پیش می آید؛ زیرا ممکن است رعایت استحکام مستلزم مخارج زیاد باشد و یا دولت در راستای اعمال اتقان در طرح ها و

(۱) سوره نمل، آیه ۸۸.

برنامه هایش، هزینه سنگینی را متحمل بشود که احتمال اسراف در آن باشد در این صورت از کدام یک باید صرف نظر کرد؛ می باید از اسراف حرام چشم پوشید، یا از اتقان مستحب؟ پاسخ این است که اگر موارد برخورد بین این دو، به درستی محاسبه شود معلوم می شود که تحمل خرج زیاد در جهت اتقان نه تنها اسراف نیست؛ بلکه خود نوعی پیشگیری از اسراف است. چه بسیارند خسارت ها و زیان هایی که از ناحیه صرفه جویی های نا به جا و غیر اصولی و بی توجهی به اصل ابرام و استحکام متوجه جامعه و افراد می شود. برای اثبات این مدعا، کافی است نگاهی به میزان خرابی های زلزله سال ۱۳۶۹ گیلان و زنجان بیندازید؛ که بنا به اظهارات مسؤولان امور، قسمت اعظم آن ناشی از عدم رعایت این امر در ساختمان های آن مناطق بوده است. در حالی که بسیاری از نقاط پیشرفته دنیا، زلزله هایی به همان شدت و یا حتی شدیدتر از آن به وقوع می پیوندند و در مقابل، خسارت و زیان ناچیزی می بینند. بنابراین، اتقان در امور نه تنها موجب اسراف نیست؛ بلکه عدم آن در معرض تلف قرار دادن مال و سرمایه است و این مطلب به خصوص در خدمات و پروژه ها و سرمایه گذاریهای دولتی بسیار حایز اهمیت است. گذشته از این که در موارد زیادی بی توجهی به اصل اتقان و ابرام، عمل مهمی برای فرسایش و تضييع ثروت شخصی دیگران نیز هست که در دنباله بحث به دو مورد آن می پردازیم.

## تولید کنندگان

تولید کنندگان که در حقیقت، گردانندگان چرخ اقتصاد و معاش جامعه هستند، نقش بسیار اساسی در مورد سرمایه های مردم بر عهده دارند و در واقع قوام یک ملت بسته به قوام بخش تولید است. اتقان و ابرام اگرچه در همه جا مطلوب است، در آن جا از مطلوبیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که اساس استقلال و خودکفایی اقتصادی را باید در اتقان امر تولید جستجو کرد؛ از بخش کشاورزی گرفته تا بخش صنعت و از تولید گران مواد غذایی تا تولیدات کالاهای مصرفی دیگر، که به چند مورد از آن به عنوان نمونه می پردازیم.

### ۱. کشاورزان

کشاورزی که اساسی ترین رکن تولید در هر کشوری به شمار می رود، باید از متقن ترین بخش های هر جامعه باشد. اتقان کشاورزی امروز به این است که زازعان ما، به آخرین تجربیات دانش کشاورزی آشنا شوند و آن را کاملاً اعمال کنند و با کمک و اعانت بکشند که اگر به درستی به این موضوع توجه نشود و حاصل آن به صورتی آفت زده و نامرغوب تحویل بازار شود، گذشته از این که خود متضرر می شوند، به جهت عدم استفاده کامل مصرف کننده، قسمتی از آن به دور ریخته می شود و تضييع مال آنان را به دنبال دارد.

## ۲. نانویان

همچنین نانویان که در حقیقت تولید کننده بهترین و پر ارزشترین ماده غذایی مردم هستند، چنانچه در پخت نان دقت و حوصله کافی به کار نبندند که مصرف کننده نتواند به درستی و به طور کامل از آن استفاده نماید، عملی مسرفانه کرده اند و موجب اسراف در شریف ترین ماده غذایی مردم گشته اند. در این زمینه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از استاندار تهران، قابل توجه است.

حدود ۳۰ درصد نانی که در نانویایی های تهران طبخ می شود به دلایل گوناگون قابل مصرف نیست و دور ریخته می شود... او پخت نامطلوب نان و کیفیت نامرغوب آرد مصرفی در نانویایی ها را دلیل عمده قابل مصرف نبودن بخش قابل ملاحظه ای از نان طبخ شده در نانویایی های تهران ذکر کرد.

مشابه این گزارش، از سایر شهرستان ها نیز گاهی به وسیله فرمانداران و مسؤولان آن شهرها از طریق روزنامه ها و مجلات اعلام می شود، که لزوم کنترل بیشتر و مداوم دولت و حمایت جدی مردم از اعمال آن را می طلبد.

## ۳. تولید گران کالاهای صنعتی

یک بنگاه تولیدی که در بالا بردن کیفیت اجناس تولیدی خود، کوتاهی می کند و فرآورده های خویش را به صورتی نامرغوب عرضه می نماید، به گونه ای که با کمترین استفاده از آن، قابلیت بهره وری خارج و به کناری گذاشته می شود و یا باید مرتب در دست تعمیر باشد، اضافه بر این که اعتماد عمومی را به تولیدات داخل سلب و پایه های استقلال و خود کفایی را سست می نماید، موجب تضییع و به هدر رفتن سرمایه های ملی و شخصی مردم نیز می گردد. ممکن است پرسید:

اولاً: تولید کننده همواره سعی می کند تا سطح کیفی تولید خویش را بالا ببرد، تا اعتماد و توجه مصرف کننده را به سوی اجناس خود نماید.

ثانیاً: رشد صنعت یا رشد تولید ارتباطی مستقیم دارد و با تکنولوژی رایج در جهان سوم سطح تولید را بهتر از آنچه هست، نمی توان ارتقا داد.

پاسخ این است که، این سخن در شرایطی صحیح است که وضع بازار داخلی به صورتی باشد که به جهت وفور اجناس - به خصوص جنس های خارجی و پایین بودن قیمت آنها - کالاهای داخلی بخواهند در صحنه رقابت با هم به ویژه با فرآورده های خارجی وارد شوند؛ ولی در غیر این صورت مخصوصاً در کشوری که در مرحله عبور از وابستگی به وادی خود کفایی و استقلال به سر ببرد و دروازه های آن به روی اجناس خارجی بسته شده باشد و عرضه های داخلی، بر کنار از رقابت با اجناس خارجی، یگانه تاز میدان شوند و مردم



هم چاره ای جز خرید و مصرف تولیدات داخلی را نداشته باشند و سطح این تولیدات نیز تکافوی نیاز جمعیت را نمایند، ممکن است انگیزه های رشد کیفی کالا در حد امکان، از بین تولیدگران سلب شود و آنان را به سوی تولید کم خرج و نامرغوب فرآورده های خود بکشاند.

## بخش خدمات

بخش خدمات پس از تولید، بالاترین نقش را در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم بر عهده دارد و از همین قشر وسیعی از جامعه را به سوی خود جذب کرده و به کار می کشاند.

از آن جا که بسیاری از کسانی که به این بخش وابسته اند، همچون تعمیرکاران لوازم زندگی و یا سازندگان و مرمت کنندگان امور ساختمان، ارتباط مستقیمی با اموا مردم دارند، در حقیقت امانتداران جامعه به حساب می آیند و خیانت و تضييع اموال در بین بعضی از آنها زیاد به چشم می خورد.

به عنوان مثال، کارگری که برای انجام کاری اجیر می شود چنانچه در آن عمل دقت کافی به عمل نیاورد و از این جهت صدمه ای بر صاحب کار وارد آید، اضافه بر این که حقی به اجرت ندارد، ضامن ضرری که بر صاحب کار وارد آید، اضافه بر این که حقی به اجرت ندارد، ضامن ضرری که بر صاحب کار وارد نموده نی هست و این خود از موارد ائتلاف مال است. در یک حدیث معتب امام صادق - علیه السلام - فرمود:

مردی به خدمت امیر المؤمنین - علیه السلام - رسید و از شخصی که به اجیری گرفته بود، تا در ساختمان او را تعمیر نماید؛ ولی او با بی احتیاطی میخ را به در کوفته، آن را دو نیمه کرده بود، شکایت داشت. آن گاه امیر المؤمنین - علیه السلام - آن شخص را ضامن قرار داد.

همین طور، تعمیرکاری که در بازسازی وسایل و لوازم مراجعین خود سعی و توجه کافی نکند و یا بدون داشتن تخصص لازم در آن کار، به اموال مردم دست بزند به گونه ای که پس از تعمیر با کمترین استفاده از کار بیفتد و مخارج تازه ای را بر صاحبش تحمیل کند، این خود نوعی ضایع نمودن و به هدر دادن اموال مردم دست بزند به گونه ای که پس از تعمیر با کمترین استفاده از کار بیفتد و مخارج تازه ای را بر صاحبش تحمیل کند، این خود نوعی ضایع نمودن و به هدر دادن اموال مردم به شمار می رود و نیز اگر از این طریق نقضی به دستگاه و وسیله مورد تعمیر وارد شود، ضامن است.

امام صادق (ع) در حدیثی فرمودند:

كُلُّ عَامِلٍ اَعْطِيَتْهُ اَجْرًا عَلٰى اَنْ سُوِّلِحَ فَاَفْسَدَ فَهُوَ ضَامِنٌ؛

هر صاحب حرفه ای که اجیر کنی تا مال تو را اصلاح کند؛ ولی آن را تباه سازد و از بین ببرد ضامن است.

## کوتاهی در حفاظت از مال امانی

امانتداری که وسیله ای از مردم و یا ساتمان مسکونی آنان را با عاریه گرفته است و یا به عوان اجاره در اختیار خود دارد، تا از منافع آن استفاده نماید، اگر در حفظ و نگهداری از آن کوتاهی کند و چون آن مال را از خود و در ملک خویش نمی داند، در صیانت از آن سستی نشان دهد، مرتکب اسراف و تضييع در اموال دیگران شده است و لذا در عین حالی که عاریه دادن وسایل و لوازمی که در اختیار همگان نیست به نیازمندان آن، تأکید و سفارش بسیار شده و حتی قرآن مجید مانعین آن را تهدید به هلاکت و عذاب نموده است؛ چنانچه صاحب مال ببیند عاریه گیرنده آن را فاسد و معیوب می نماید، می تواند در اختیارش قرار ندهد. در قسمتی از یک حدیث معتبر، (ابی بصیر) می گوید: امام صادق (ع) فرمود: مقصود از ماعون در آیه شریفه، قرض و یا خدمتی است که به دیگران ارائه می دهی و نیز وسایل منزلی که برای استفاده آنان در اختیارشان قرار می دهی و زکات هم از ماعون است. می گوید: به حضرت عرض کردم: ما همسایگانی داریم که وقتی وسیله و متاعی به آنها عاریه می دهیم؛ آن را می شکنند و فاسد می کنند، آیا جایز است از دادن آن امتناع کنیم. حضرت فرمود: هر گاه این گونه عمل کنند، می توانید از عاریه دادن آن خودداری نمایید و باکی بر شما نیست.

## افراط در بهره جویی از مال مجاز

از موارد اسراف در اموال دیگران، تجاوز و زیاده روی در استفاده از اموال آنها در موارد بهره برداری های مجاز است. به عنوان مثال، انسان می تواند از آذوقه خانه پدر و مادر، برادر و خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله و یا منزلی که کلید آن به عنوان حفاظت و یا وکالت در اختیار او باشد و نیز منزل دوست و رفیق خود، استفاده نماید؛ ولی در بعضی از روایات، امامان معصوم آن را به مواردی که میانه روی و اعتدال رعایت شود محدود نموده اند. امام صادق (ع) می فرماید:

آن کسانی که خداوند در آیه کریمه نام برده است، می توانی بدون اذن آنها از خرما و خورش خانه آنان استفاده نمایی و همین طور زن اجازه دارد بدون اذن شوهر از غذای منزل او استفاده نماید و اما اضافه بر آن از غذاها جایز نیست.

گویا حضرت می فرماید، انسان مجاز است در منزل این افراد از خوردنیهایی مانند پنیر و شیر و خرما و غیر آن که معمولاً به عنوان خورش به همراه نان خورده می شود، استفاده نماید؛ ولی غذاها و سایر موادی که صاحب خانه با خرج مبالغی زیاد، برای میهمان و حفظ آبرو و یا استفاده شخصی تهیه می کند، نباید بدون

اجازه دادن و اذن او در آن تصرف کرد. و نیز در حدیث دیگری همان حضرت و یا حضرت امام باقر - علیه السلام - فرمودند:

این اجازه تا هنگامی است که موجب فساد مال صاحب خانه نشود.

همچنین ولی یتیم که عهده دار حفاظت از اموال و مصالح اوست می تواند در مقابل حراست و وظایفی که در این ارتباط انجام می دهد، مقداری از مال او استفاده کند؛ ولی مجاز نیست در بهره برداری از آن زیاده روی و اسراف پیشه کند. قرآن کریم در این مورد می فرماید:

اموال یتیمان را از روی اسراف نخورید، و از خوف این که مبادا بزرگ شوند و شما را از تصرف در آن منع نمایند، به زیاده روی مبادرت نکنید.

باز به عنوان نمونه، انسان مجاز است اگر در سر راه خود، گذارش به باغی افتاد که شاخه درختی از آن بیرون آمده باشد، مقداری از میوه آن استفاده نماید و اجازه خواستن از صاحب آن لازم نیست؛ ولی چیدن میوه و بردن آن و یا شکستن شاخه درخت و یا زیاده روی در خوردن و نیز وارد کردن صدمه دیگری بر درخت و میوه ها جایز نیست. در حدیثی از حضرت صادق (ع) شد:

مردی به باغستانی - چه دیوار باشد چه نباشد - عبور می کند آیا می تواند بدون این که ضرورتی به تناول از میوه های آن داشته باشد، صرفاً از روی خواسته دل، از آن استفاده نماید و آیا می تواند برای نیاز و گرسنگی از آن بخورد حضرت فرمود: اشکالی ندارد از آن استفاده کند؛ ولی با خود به همراه نبرد و آن را فاسد ننماید. همچنین حضرت صاحب الامر - علیه السلام - در جواب سؤالی در همین زمینه فرمود:

خوردن برای او حلال، ولی برای او حرام است.

در این جا به همین چند نمونه بسنده می کنیم و تذکر این نکته نیز لازم است که غرض در هر سه مورد ذکر مثال است و خصوصیات مسائل را برای عمل باید در کتاب های فقهی و رساله های عملیه جستجو کرد و وارد شدن در تفصیل آن، از موضوع و هدف این نوشته بیرون است.

در حقیقت، کارهای دیگران امانت هایی هستند که به ما سپرده شده اند و ما متعهد به انجام درست آنها هستیم و باید برای توفیق در این امر از خداوند کمک بخواهیم. امام صادق - علیه السلام - از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل می کند: «از خداوند، راستی و درستی بخواهید و همراه با آن، درستکاری را از او درخواست کنید».

#### ۴. وجدان کاری

امام علی - علیه السلام - وجدان کاری را زینت انسان می داند و می فرماید: «الزینةُ یُحسِنُ الثَّیَابِ؛ زینت و زیبایی انسان به راستی و درستی است نه به لباس نیکو».

عمر بن یزید می گوید از حضرت امام صادق - علیه السلام - شنیدم که فرمود: «هنگامی که مؤمن کارش را به خوبی و درستی انجام دهد، خداوند ثواب آن کار را هفتصد برابر می کند ...».

البته بهره مندی از وجدان کاری، نشان دهنده عنایت الهی به بنده درستکار است، چنان که حضرت امیر - علیه السلام - نیز در تأیید این سخن می فرماید: «مَنْ أَمَدَّهُ التَّوْفِيقُ أَحْسَنَ الْعَمَلِ؛ هر کس توفیق الهی مددکارش باشد، کار را به خوبی و درستی انجام می دهد».

و به راستی که به فرموده پیامبر گرامی اسلام - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: «خداوند کسی را که [هرگاه] کاری بر عهده اش می نهند به درستی انجام می دهد، دوست می دارد».

### وجدان کاری در فعالیت های اجتماعی

داشتن وجدان کاری، به فعالیت های اجتماعی ارزش و اعتبار می بخشد و کسانی که همواره در زندگی کاهلی و کم کاری می کنند، آسیب های جبران ناپذیری به خود و اجتماع وارد می سازند. از بعد فردی لقمه های خود را به حرام می آلاینند و از بعد اجتماعی چرخه کار جمعی را از حرکت می اندازند. در سیره امامان معصوم - علیهم السلام - توصیه های بسیاری برای اصلاح، به این گونه افراد وارد شده است، آنجا که حضرت علی - علیه السلام - به خیاطی که کم کاری می کرد، فرمود:

ای خیاط، مادرت به عزایت بنشیند! نخ ها را سفت و محکم کن، درزها را کوچک بگیر، کوک ها را نزدیک به هم بزن، زیرا من از پیامبر خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - شنیدم که فرموده: «خداوند در روز واپسین، خیاط خیانت پیشه را در حالی محشور می کند که لباسی که خود آن را دوخته و در آن خیانت پیشه را در حالی محشور می کند که لباسی که خود آن را دوخته و در آن خیانت روا داشته، بر تن کرده است. اضافه های پارچه را بردارید، زیرا حق صاحب لباس است و دست ها به آن آلوده مگردد که باعث مجازات الهی خواهد شد».

اسلام به زمینه های مهمی چون آموزش و پرورش نیز رهنمودهای سازنده ای دارد و همگان را به درستی و راستی در کارها سفارش می کند. امام سجاد - علیه السلام - در مورد وجدان کاری در تعلیم و تربیت می فرماید: «اگر مردم را به خوبی و درستی آموزش دهی و با آنان به خشونت رفتار نکنی و آنها را به ستوه نیاوری، خداوند از فضل و بخشش خود تو را برکت می دهد».

## عوامل وجدان کاری

رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی فرمود:

باید وجدان کاری فرهنگ عمومی بشود. باید کسی که کاری انجام می دهد، تصور بکند که یک نفر بالای سرش ایستاده است، ولو در اتاق خلوت، تنها باشد. کار باید کامل، محکم، قوی، ابتکاری و همراه با نیاز انجام گیرد.

ریا یکی از عوامل نبود وجدان کاری است. کسانی که در حضور رئیس یا مدیر ناظر، وظیفه خود را به دقت و درستی انجام می دهند، ولی زمانی که احساس می کنند هیچ فردی آنها را نمی پاید، رو به تبلی و سستی می آورند و از یاد می برند که عالم محضر خداست و نمی توان دور از نگهبانان الهی، به تن آسایی روی آورد. حضرت علی - علیه السلام - می فرماید:

ریا کار چهار نشانه دارد: وقتی تنهاست، با سستی و تبلی کار می کند و چون در میان مردم باشد، شاداب و با نشاط است؛ وقتی از او تعریف شود، بیشتر کار می کند و چون از او تعریف شود، بیشتر کار می کند و چون از او تعریف نشود، کار را ناقص انجام دهد.

انسانیت و اخلاق، آدمی را وادار می دارد که به کسانی که به او اعتماد کرده و سر رشته کاری را به او واگذار کرده اند، خیانت نکند و کم کاری را روا نداند. امیرمؤمنان و نیک عملان، امام علی - علیه السلام - می فرماید: «فریب دادن کسی که تو را امین می داند، ناسپاسی است.»

امام علی - علیه السلام - مردم را نسبت به کوتاهی در کار هشدار می دهد و می فرماید: «از کسانی نباش که عمداً در کار کوتاهی می کنند.»

و باز می فرماید: «هر که در کار کوتاهی کند، سستی و کاهلی اش افزون می شود.»

لازم است بدانیم که از دست دادن فرصت ها و کم کاری در امور، نتیجه ای جز پشیمانی و عذاب وجدان ندارد. آفتی که حضرت علی - علیه السلام - توجه آدمی را به آن جلب می کند و می فرماید: «هر کس عمداً در کار خود کوتاهی کند، به اندوه و ناراحتی گرفتار می شود.»

## نقش عوامل بیرونی در افزایش وجدان کاری

نظارت و بازرسی دقیق فعالیت های افراد، از عوامل مؤثر در تقویت وجدان کاری کارگزاران نظام اسلامی است. حضرت علی علیه السلام در تأثیر نظارت بر افزایش وجدان کاری می فرماید:

در کارهای کارگزاران، کاوش و به امور آنان رسیدگی کن و بازرسی های درست کار و وفادار بر آنان بگمار؛ زیرا بازرسی مخفی تو از کارهای آنها، موجب می شود که ایشان امانت داری را پیشه خود سازند و با مردم به رفق و نرمی رفتار کنند.

ایشان تأمین نیازهای معیشتی کارگزاران را، از راه های اساسی رسیدگی به مردم و خدمت شایسته به آنان می داند، آنجا که فرموده است:

ارزاق و حقوق کارگزاران را فراوان ده که این کار، آنان را به اصلاح خودشان توانا می سازد و همچنین آنها را از [طمع] و دست درازی به اموالی که در اختیارشان است، بی نیاز می گرداند و نیز این کار بر آنان حجت و دلیل است (که) اگر فرمانت را به کار نبستند و یا در امانت تو خیانت ورزیدند (و تو آنها را مؤاخذه کردی)، بهانه ای نداشته باشند.

افزون بر این، سپردن تدبیر کارها به صالحان و درستکاران برای یاری کارگزاران، در سیره حضرت امیرمؤمنان - علیه السلام - جایگاه ویژه ای دارد و ایشان در به کارگیری افراد شایسته در پست های مهم چنین توصیه می کند:

از کارهایی که کارگزاران در گذشته برای افراد صالح پیش از تو انجام داده اند، اطلاع حاصل کن، آن گاه بهترین و نیکوترین آنها را که [میان] مردم شناخته شده هستند [نیز] و معروف ترین آنان را در دست کاری و امانت داری، برگزین.

ایشان معتقد بودند که پیش از سپردن کارها به مسئولان باید از دیانت، راستی و درستی آنان مطمئن بود و آنها را آزمایش کرد، بر این اساس می فرماید: «در کارهای کارگزاران با دقت نگاه کن، پس از آنکه آنان را آزمایش و تجربه کردی، به کار وادار.»

همچنین برای اینکه ریشه ناراستی خشکانده شود و از سوی دیگر به کارگزاران صالح ارج نهاده شود، طرح تشویق نیکوکاران و تنبیه بدکاران را بیان می کند و می فرماید:

نباید نیکوکار و بدکار نزد تو جایگاهی [یکسان] داشته باشند؛ زیرا این کار، نیکوکاران را در نیکی و درست کاری بی رغبت می کند و بدکاران را می دارد. بنابراین هر کدام از آنها را نسبت به کاری که انجام داده است، جزا بده.

### ۵. رعایت حد اعتدال در کار

سؤال می شود که مقصود و منظور از کار کردن چیست؟ آیا باید همه وقت را صرف کار کردن نمود و به طور کل همه چیز را فدای کسب و طلب نمود، یا حد و اندازه ای دارد؟ خوشبختانه پاسخ این پرسش را حضرت صادق - علیه السلام - فرموده است: «باید کسب تو برای تأمین زندگی از حد آدماه های کم کار بگذرد، و به اندازه اشخاص حریص دنیا دوست و دل به دنیا داده، نرسد؛ پس خود را در کار و کسب، در حد انسانی با انصاف و آبرودار قرار بده و از اشخاص سست و ناتوان بالاتر آور و به کسب آنچه مورد نیاز است پرداز.»

این فرمایش حضرت صادق - علیه السلام - همان مسئله پراج قناعت است که شخص مؤمن غرق در ثروت اندوزی بی حد و حصر و بی خیر و منفعت نگردد و به حد کفاف از روزی خداوند قانع باشد.

#### ۶. خوش برخوردی و خوش رویی

خوش برخوردی مدیر و کارمند و سرکارگر و همه و همه یکی از دیگر اخلاقیات کار است خصوصاً این که بعضی از مشاغل ذبه جهت برخورد بیشتر صاحبان آن ها با مردم نیاز بیشتری به برخورد خوش با مردم دارند، به این دلیل حضرت صادق - علیه السلام - فرمود: «هر صنعتگری ناگزیر باید سه خصوصیت داشته باشد تا کار و کسب او رونق پیدا کند ..... (سوم) این که بتواند نظر مشتری را جلب کند یعنی خوش برخورد و خوش رفتار باشد»<sup>۱</sup>.

#### ۷. رازداری

برخی از مشاغل به جهت حساسیت خاص خود، نیاز مبرم به رازداری و کتمان دارد مثلاً کسانی که در رابطه با انرژی هسته ای مشغول به کار هستند، می طلبند که نسبت بدان بسیار رازدار باشند به جهت آنکه بروز برخی از اطلاعات ممکن است به صلاح یک مملکت نباشد و چه بسا عواقب زیان باری را به بار آورد. حضرت صادق - علیه السلام - به طور کلی درباره رازداری امت اسلام فرموده اند: «مردم به دو خصلت مأمور شدند اما آنها را تباه کردند و از این رو همه چیز را از دست دادند: شکیبایی و رازداری».

#### ۸. امانت داری

امام صادق - علیه السلام - فرموده است: «هر صنعتگری ناگزیر باید سه خصوصیت داشته باشد تا کار و کسب او رونق پیدا کند (یکی) این که در کار خود ماهر باشد (دوم) این که در کار خود امانت به خرج بدهد ...<sup>۲</sup>

#### ۹. امروز و فردا کردن صاحب شغل

یکی از آفات اخلاق کار و حرفه امروز و فردا کردن برای مردم است و جاب مردم را درست ندادن و خلف وعده کرده است؛ لذا حضرت رسول (ص) فرموده اند: «وای بر صنعتگران امت من از امروز و فردا کردن»<sup>۳</sup>. حضرت رسول درباره صنعتگران گران این مطلب را فرموده اند: «ولی می تواند قابل سرایت به خیلی از صاحبان حرف و مشاغل باشد».

۱ - الحیة، ج ۵، ص ۲۰۰

۲ - همان ۶

۳ - همان ۵

۱۰. دلسوزی

کارگر یا کارمند و یا هر شاغل در هر شغلی کار خود را دلسوزانه انجام بدهد و گویا که آن کار را برای خودش و یا یکی از نزدیکانش انجام می دهد.

۱۱. عدم پروا از انجام کار آبرومندانه و با شرافت

۱۲. اهمیت دادن به کار

این مورد نیز اصلی است که باید رعایت شود و نشان دهنده میزان عشق و علاقه هر شخص به کار خود می باشد. حضرت آیه الله نوری می فرماید: یکی دیگر از خصوصیات امام این بود که به کلاس درس خیلی اهمیت می دادند و حتی یک دقیقه هم تأخیر نمی کردند. ایشان در سالهای اختناق در مدرسه فیضیه تدریس می کردند. در یکی از روزها ساواک به مدرسه حمله کرده بود. طلاب و حضرت امام سر وقت برای درس حاضر شده بودند، ولی ما فکر کردیم که امروز کلاس تعطیل می شود ولی چنین نشد و امام در صحن حضرت معصومه (س) بر روی زمین نشستند و مشغول تدریس شدند.<sup>۱</sup>

۱۳. انجام هر کاری در وقت خود

در بیان این مورد بر اهمیت بنده می کنم به ذکر روایتی از امام علی - علیه السلام - ، «کار هر روز را در همان روز انجام بده که هر روزی را کاری است».<sup>۲</sup>

۱۴. جدیت در اشتغال به هر کاری

سید حمید روحانی می گوید: در طول یازده سالی که در نجف اشرف در محضر امام بودم هرگز نشد که حوادث و رویدادهای بزرگ سیاسی موجب آن شود که امام از برنامه های فوری و تدریس فقه استلا ... بمانند و یا با سردی و بی حالی این برنامه را انجام دهند ...<sup>۳</sup>

(۱) جلوه های معلمی حضرت امام خمینی ، ص ۵۱.

(۲) الحیاة، ج ۱، ص ۵۴۲.

(۳) جلوه های معلمی حضرت امام خمینی ، ص ۵۴.



۱۵. پشتکار و عدم یأس

حضرت آیه الله شیخ جعفر سبحانی می فرماید: حضرت امام همان طور که در مسئله تهذیب نفس تمجّد پیگیر بودند، در دوران جوانی در مسئله تحصیل نیز کاملاً ساعی و کوشا بودند حتی زمانی که سنّشان از پنجاه سال تجاوز می کرد گاهی شش ساعت پی در پی مطالعه می کردند...<sup>۱</sup>

منشور اخلاقی، اداری معاونت طرح و برنامه دانشگاه فردوسی مشهد

۱. حفظ آرامش در محیط کاری
۲. رازداری و حفظ اطلاعات معاونت
۳. رعایت نظم انضباط کاری، حضور به موقع و منظم در محل کار، وقت شناسی و مسئولیت پذیری
۴. برخورد مناسب با ارباب رجوع و انجام امور آنها در کوتاهترین زمان ممکن و با کیفیت مطلوب
۵. سرعت عمل و دقت در پیگیری امور محوله
۶. اهتمام همیشگی در آموزش و افزایش معلومات شغلی و اجتماعی و استفاده بهینه از دانش، نظرات و تجربیات خود و دیگران در جهت بهبود انجام وظایف
۷. کمک به سایر همکاران به موازات رعایت حرم کاری یکدیگر
۸. پذیرفتن انتقاد و پیشنهاد
۹. حفظ و نگهداری تجهیزات اداری و رعایت اصل صرفه جویی
۱۰. پرهیز از استفاده شخصی و غیر اداری در وقت اداری از اموال مانند تلفن، رایانه، امکانات شبکه و ...
۱۱. پرهیز از انجام هر گونه امور غیر اداری در وقت اداری و اخذ مجوز برای حضور در جلسات غیر کاری در ساعت اداری (مانند: مراسم ترحیم، جشن، تلاوت قرآن، ورزش و ...)
۱۲. هماهنگی کامل با مدیر مربوطه
۱۳. پایبندی به مفاد قرارداد شغلی و اجتناب از هر گونه چانه زنی در مورد مزایای شغلی فراتر از قرارداد و قانون
۱۴. آمادگی رأی اعزام به مأموریت درون و برون شهری در صورت لزوم
۱۵. هماهنگی با مدیر مربوطه برای حضور خارج از وقت اداری در محل کار (اضافه کار)

(۱) جلوه های معلّی حضرت امام خمینی، ص ۵۵.

## کم فروشی

یکی از اعمال غیر اخلاقی در کار مسئله مهم کم فروشی است که خداوند متعال در قرآن و در سوره مطففین بدان اشاره فرموده است؛ آنجایی که فرموده است وای بر کم فروشان. کم فروشی مصادیق فراوانی دارد و فقط شامل کاسب ترازو دار نمی شود و کارگران و کارمندان و کارکنان و هر کسی در هر شغلی می تواند مصداقی از مصادیق کم فروشی باشد.

## رشوه خواری

یکی دیگر از اعمال غیر اخلاقی در کار، مسئله رشوه است که روایات و احادیث فراوانی از معصومین به شدت از این عمل زشت نهی کرده است؛ از باب نمونه در روایتی از حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل شده است که فرمود: خداوند رشوه دهنده و رشوه گیرنده را لعن فرموده است.<sup>۱</sup>

---

(۱) درآمدهای حلال و حرام، ص ۹۲.

### چکیده مطالب

اولاً نگاه اسلام به کار، نگاه زیبا و بسیار سازنده ای است که در روایات و احادیث ما بدان جهت داده شده است و بالتبع به مقم کارگر اهمیت فراوانی داده است و در مقابل از بیکاری و تنبلی بسیار مذمت شده است و نگاه اسلام به تنبلی و بیکاری نگاه طرد کننده ای است و ثانیاً کار دارای آثار جسمی و فوائد روحانی فراوانی است که البته در تهذیب اخلاق هر انسانی دارای آثار فراوانی می باشد که یکی از مهم ترین آثار کار، نفسی هرزگی و ولگردی می باشد که انسان را از نزدیک شدن به گناه باز می دارد ثالثاً کار در اسلام دارای اخلاق و آداب باطنی است یکی از مهمترین آنها انجام کار برای خداوند و اخلاص است که در جهان امروز به این مسئله اصلاً اهمیتی داده نشده است؛ بلکه هیچ جایگاهی ندارد و شاید تنها مسئله مهم در کار کسب سود باشد چنانچه در نظام سرمایه داری یکی از اصول، کسب سود باشد چنانچه در نظام سرمایه داری یکی از اصول، کسب سود هر چه بیشتر می باشد. با توجه به نگاه و دیدگاه اسلام به کار در جامعه انسانی به این قضیه می رسمیم که هدف اسلام علاوه بر فوائد اقتصادی کار، ساختن انسان و تهذیب اخلاق او می باشد و نگاه این دین فقط ساختن جامعه و سود درآمد نمی باشد.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
تعریف اخلاق	۲
کار در تصور اسلامی	۲
ضرورت کار برای انسان	۴
لذت زندگی در سایه کار	۴
جهت مهم در اهمیت کار	۵
جهت اخلاقی کار	۵
ارزش کار و کارگر در اسلام	۶
سلوک الهی در اسلام	۶
دیدگاه ارزشی کار در اسلام	۷
۱- قداست کار	۷
۲- منفور بودن بیکاری	۷
برخی از انگیزه های بیکاری	۷
تنبلی	۷
خودپسندی	۷
ستی و بی حالی	۸
۳- وجوب کسب معیشت	۹
۴- وظیفه انسان و خدمت رسانی به جامعه	۹
۵- رشد عقلانی	۹
۶- کسب آرامش روحی	۹
۷- سلامت جسم	۱۰
۸- رفع فقر و تأمین اجتماعی نیازمندان	۱۰
تأثیر کار در دین مبین اسلام	۱۰
اخلاق کار در دین مبین اسلام	۱۲
۱- کسب رضای خداوند و اخلاص در کار	۱۳
علائم کار برای خدا در کلام امام خمینی	۱۳

۱۹	۲- نظم کاری
۲۰	۳- اصل اتقان
۲۱	اتقان و اسراف
۲۲	تولید کنندگان
۲۴	بخش خدمات
۲۶	۴- وجدان کاری
۲۷	وجدان کاری در فعالیتهای اجتماعی
۲۸	عوامل وجدان کاری
۲۸	نقش عوامل بیرونی در افزایش وجدان کاری
۲۹	۵- رعایت حد اعتدال در کار
۳۰	۶- خوش برخوردی
۳۰	۷- رازداری
۳۰	۸- امانت داری
۳۰	۹- امروز و فردا کردن صاحبان مشاغل
۳۱	۱۰- دلسوزی
۳۱	۱۱- عدم پروا از انجام کار آبرومندانه
۳۱	۱۲- اهمیت دادن به کار
۳۱	۱۳- انجام هر کاری در وقت خود
۳۱	۱۴- جدیت در اشتغال به هر کاری
۳۲	۱۵- پشتکار و عدم یأس
۳۲	منشور اخلاقی، اداری
۳۳	کم فروشی
۳۳	رشوه خواری

منابع و مراجع

- ۱- درآمدهای حلال و حرام، وحیدی، محمد، قم، ناشر: سنابل، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۲- جلوه های معلمی امام خمینی، ستوده / برادری و امیررضا / احمد، تهران، نشر پنجره، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- ۳- فضیلت های فراموش شده، راشد، حسینعلی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
- ۴- الحیاة، ترجمه: آرام، احمد، تهران، انتشارات دلیل ما، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- ۵- اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، قم، دفتر نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۷.
- ۶- اخلاق، بانو امین، تهران، ۱۳۶۰.
- ۷- کیمیای محبت، محمدی ری شهر، محمد، قم، <sup>دار</sup> کلالحدیث، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- ۸- نهج البلاغه، محمد باقر، محمد باقر، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۰.